

معناشناسی مرگ جاهلیت در حدیث معرفت امام با تأکید بر آیات قرآنی

حسن شجاع بهار*

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱

چکیده

در هندسه معرفتی شیعیان، شناخت امام، از اهمیتی ویژه برخوردار است. چون معنا و مفهوم امام نزد شیعه، همان انسان کاملی است که واسطه فیض الهی است، و با برقراری ارتباط با امام راستین است که می‌توان شناخت صحیحی از خدا و دیگر مبانی اعتقادی کسب نمود. از این جهت است که در حدیث معرفت امام، پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «اگر کسی بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است». حدیث معرفت امام، از جمله احادیث متواتر و معتبر بین شیعه و اهل سنت است. این حدیث از جهات مختلف مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. اما یک سؤال قابل توجه است که منظور از مرگ جاهلی چیست؟ به نظر نگارنده بی تردید، حدیث معرفت و روایات مشابه، اهمیت و ضرورت امامت و ولایت را بیان می‌کند و نمی‌توان کسانی را که صرفاً غیر عارف به امام زمانشان هستند، تکفیر نمود.

کلیدواژگان: حدیث معرفت، مرگ جاهلی، امام، تکفیر.

مقدمه

حدیث معرفت امام از احادیث مورد توافق شیعه و اهل سنت می‌باشد. پیامبر اکرم(ص) در این حدیث مرگ کسی که امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت تشبیه نموده است. این مسأله می‌تواند در تمام اعصار امکان تحقق داشته باشد یعنی در هر زمانی تا روز قیامت هر کس امام زمان خودش را نشناسد مرگ او، مرگ جاهلیت خواهد بود. از این رو سؤال اساسی این تحقیق این است که جاهلیت در این حدیث به چه معناست؟ آیا به معنای کفر است یا عصیان؟ این مسأله در مقاله تبیین خواهد شد.

پیشینه تحقیق

حدیث معرفت امام از جنبه‌های مختلف مورد دقت و بررسی قرار گرفته است. از جمله کتب و مقالاتی که در این خصوص نوشته شده است:

- ۱- کتاب «بررسی حدیث معرفت از منظر فریقین» نویسنده: عبدالمجید زهدات
- ۲- کتاب «شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی» نویسنده: فقیه ایمانی، مهدی
- ۲- مقاله «بررسی و معناشناسی تطبیقی حدیث «من مات ولم يعرف امامه مات میتة جاهلیة» نویسنده: کاشفی، محمد رضا.

ارزش و اعتبار حدیث معرفت امام

اولین نکته‌ای که باید به آن توجه شود اعتبار حدیث می‌باشد. باید گفت حدیث معرفت از نظر شیعه و سنی حدیثی است متواتر. البته علما این مطلب را با تعبیری متفاوت بیان نموده‌اند که نهایتاً مفهوم تواتر را می‌رسانند. ذیلاً به عنوان نمونه به نظرات برخی از علما اشاره می‌شود:

شیخ مفید(م ۴۱۳) تعبیر تواتر را درباره این حدیث به کار برده است و می‌گوید: «حدیث معرفت امام یک خبر متواتر است»(شیخ مفید، ۴۱۳ق: ۲۸).

شیخ/بولفتوح رازی(م اوائل قرن ۶) این روایت را اصلی از اصول دین و قاعده‌ای از قواعد ایمان دانسته است، و می‌نویسد: «چه کسی روا دارد که هفت اقلیم بی امامی رها کند! زمانه را امام باید، و رعیت را راعی، و گوسفند را شبان، و تو مکلف به آنکه بشناسی

که حدیث معرفت امام اصلی از اصول اسلامی است، و قاعده‌ای از قواعد ایمان» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۴/ ۱۷۳).

علامه مجلسی دوم (م ۱۱۱۱) این گونه روایات را خارج از حد شمارش دانسته و به تواتر این روایت بین خاصه و عامه تصریح می‌کند (علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق: ۲۹/ ۳۲۲ و ۸/ ۳۶۸).

نقل‌های مختلف حدیث معرفت امام در برخی از منابع عامه

حدیث معرفت علاوه بر اینکه در منابع حدیث شیعه به صورت‌های مختلف نقل شده در منابع سنی نیز با عبارات‌های مختلفی وارد شده است. مانند:

۱- «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»: هرکس بمیرد در حالی که امام زمانش را شناسد مرده است به مانند مردن مردم جاهلیت (نیسابوری، بی تا: ۴/ ۵۱۷).

۲- «من مات ولیس علیه امام مات میتة جاهلیة»: کسی که بمیرد در حالی که امام نداشته باشد مرده است به مانند مردن مردم جاهلیت (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳: ۱۳/ ۲۴۲، با لفظ «من مات ولا امام له»).

۳- «من مات بغير إمام مات میتة جاهلیة»: هر کس بدون امام بمیرد، مرده به مرگ جاهلیت (ابن حنبل، بی تا: ۴/ ۹۶).

ویژگی‌های عصر جاهلیت

برای درک مفهوم حدیث معرفت لازم است از ویژگی‌ها و خصوصیات عصر جاهلیت آگاهی داشته باشیم. از این رو به برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات انسان‌های عصر جاهلیت اشاره می‌نمائیم.

الف. ویژگی‌های عصر جاهلیت در قرآن

برخی از ویژگی‌های انسان‌های عصر جاهلیت بر اساس آیات قرآن عبارت‌اند از:

- ۱- اهمیت ندادن به وعده و وعیدهای خداوندی و تکذیب آن‌ها بر اساس آیه: ﴿يُظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ﴾ (آل عمران / ۱۵۴).
 - ۲- رایج بودن حکم بر مبنای هوی بر اساس آیه: ﴿وَأَن احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ... أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ (مائده / ۵۰).
 - ۳- بی‌پروائی و بی‌عفتی زنان بر اساس آیه: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب / ۳۳).
 - ۴- حمیت و تعصب و پافشاری درباره معلومات ناچیز و خواسته‌های بی‌اساس بر اساس آیه: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ﴾ (فتح / ۲۶).
- در آیات دیگر قرآن کریم ویژگی‌هایی چون وجود اختلاف و کینه توزی در میان قبایل و اقوام (آل عمران / ۱۰۳) و محروم بودن زنان و یتیمان از ارث (فجر / ۱۷ و ۱۹) نگهداری همسران با وجود ناخشنودی از وی به منظور بهره‌مندی از ارث (نساء / ۱۹) ارثیه به شمار آمدن همسران (همان)، بهره‌کشی و سودجویی از کنیزان با واداشتن آنان به فحشا و فساد (نور / ۳۳)، استثمار و بهره‌کشی از زنان (نساء / ۱۹)، رواج بت پرستی (مائده / ۹۰)، قربانی کردن برای بت‌ها (مائده / ۳) و استعاده و پناه بردن به جن برای رهایی از مشکلات و بیماری‌ها بیان شده است.

ویژگی‌های عصر جاهلیت در کلام حضرت علی (ع)

حضرت علی (ع) در چندین خطبه از نهج البلاغه به توصیف ویژگی‌ها و شاخصه‌های عصر جاهلیت پرداخته است از جمله:

خطبه ۱: «در آن روزگار اهل زمین مللی پراکنده بودند. گروهی خدا را تشبیه به مخلوق کرده و برخی غیر او را عبادت می‌نمودند» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۴).

خطبه ۲۶: «خداوند پیامبر را هنگامی فرستاد که شما ملت عرب در آن وقت دارای بدترین دین بودید، اقامتگاهتان در میان سنگ‌های سخت، و در بین مارهای زهردار بود، آب تیره می‌نوشیدید، غذای خشن می‌خوردید، خون یکدیگر را می‌ریختید، قطع رحم می‌کردید، بتان در میان شما نصب شده بود، و گناهان به شما بسته بود» (همان: ۶۹).

خطبه ۹۴: «خداوند پیامبر(ص) را هنگامی فرستاد که مردم در وادی گمراهی حیران بودند، و کورکورانه در فتنه می‌رفتند، هواهای نفسانی عقل و خرد را از آنان ربوده، کبر و خودپسندی آنان را دچار لغزش کرده بود»(همان: ۱۲۲).

خطبه ۱۹۱ و ۱۹۶ و ۱۹۸: «گواهی می‌دهم که محمد(ص) بنده و فرستاده اوست، او را فرستاد در حالی که نشانه‌های هدایت کهنه شده، و راه روشن دین به نابودی رسیده بود»(همان: ۲۸۳ و ۳۱۰ و ۳۱۵).

در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت ویژگی‌های فوق از اساسی‌ترین ویژگی‌ها و شاخصه‌های فرهنگی و عقیدتی، مردم عصر جاهلیت از نظر حضرت علی(ع) می‌باشند.

ویژگی‌های عصر جاهلیت از دیدگاه دانشمندان

دانشمندان ویژگی‌های عصر جاهلیت را چنین برشمرده‌اند: مردم عصر جاهلیت ملتی بوده‌اند که نه معرفت به خدا داشتند و نه به رسولش و نه به شرایع دین(علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳: ۴/۱۹۰). تفاخر به انساب و کبر و غرور و انواع پلیدی‌های دیگر، بین آن‌ها رواج داشته(مولی صالح المازندرانی، ۱۳۸۸ق: ۶/۳۳۵). بهترین تعبیر از وضعیت آن‌ها سخن جعفر بن ابی طالب برای نجاشی است که گفت ای پادشاه ما اهل جاهلیت بودیم بت‌ها را می‌پرستیدیم، و میت‌ها را می‌خوردیم، و مرتکب کارهای زشت می‌شدیم، و صله رحم را قطع می‌کردیم، و زورمندانمان حقوق ضعفا را پایمال می‌کردند. بنا به گفته مقدسی، در بین عرب جاهلی همه نوع عقاید و دین وجود داشت زندقه و معطله در قریش، و مزدکیه و مجوسیه در تمیم، و یهودیت و نصرانیت در غسان، و پرستش بت‌ها در دیگر قبیله‌ها و گروه‌ها(سبحانی، ۱۴۲۱: ۶۰۱).

تفسیر جاهلیت به وسیله لغویین

اکثر اهل لغت جهل را نقیض علم، و عصر جاهلیت را به زمان فترت، و جاهلیت را صفت و حالت مردم عرب قبل از اسلام تفسیر نموده‌اند مانند فر/هیدی(۱۷۵ق) جهل را نقیض علم دانسته و جهالت را به انجام کاری از روی ناآگاهی تفسیر نموده و جاهلیت جهلا را زمان قبل از اسلام دانسته(فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳/۳۹۰).

صاحب بن عباد(۳۸۵ق) جهل را به معنای نقیض علم دانسته و جاهلیت را به زمان فطرت تفسیر می‌کند(صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۳۷۷).

ابن فارس(۳۹۵ق) می‌گوید جهل دو معنا دارد: یکی نقیض علم و دیگری سبک مغزی و ناآرامی(ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱/ ۴۸۹).

راغب(۵۰۲ق) می‌گوید: جهل یعنی نادانی و بر سه گونه است:

اول: خالی بودن نفس و خاطر انسان از علم و دانش

دوم: یعنی اعتقاد و باور داشتن چیزی بر خلاف آنچه که هست.

سوم: انجام کاری بر خلاف آنچه که باید انجام شود(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۹).

ابن اثیر(۶۰۶ق) جهل را به معنای بخل و ترس و حمیت و تعلیم آنچه مورد نیاز نباشد دانسته و جاهلیت را صفت و حالت عرب قبل از اسلام می‌داند(ابن اثیر، ۱۳۶۷ش: ۱/ ۳۲۳).

ابن منظور(۷۱۱ق) در ماده «جهل» ابتدا جهل را نقیض علم دانسته و سپس با بیان نمونه‌هایی، «جهل» را در برابر «حلم و بردباری» و در یک مورد به تلویح آن را در برابر «عقل» دانسته است و جاهلیت را زمان فترت یعنی همان حالت عرب قبل از اسلام می‌داند(ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱/ ۱۲۹).

طریحی(۱۰۸۷ق) جهل را به خلاف علم دانسته و جاهلیت را صفت و حالت عرب قبل از اسلام می‌داند(طریحی، ۱۳۷۵ش: ۵/ ۳۴۵).

بستانی(۱۹۰۶م) معنای جاهل را نادان و بیسواد و احمق دانسته و جاهلیت را حالت جهل و نادانی و بت پرستی که در میان اعراب قبل از اسلام وجود داشته می‌داند(بستانی، ۱۳۷۵ش: ۲۸۷).

از جمع بندی آراء لغویین به این نتیجه می‌رسیم که معنای مشهور و رایج لغوی جهل، ضد علم است ولی معانی دیگری از قبیل سبک مغزی و ناآرامی، نادان و بیسواد و احمق، سفیه، بی اعتنا به امور، اعتقاد و باور بر خلاف واقع داشتن، انجام کاری بر خلاف واقع، مقابل حلم و بردباری، مقابل عقل، نیز دارد و معنای اصطلاحی جاهلیت نیز همان حالت عرب قبل از اسلام، می‌باشد(رفیعی و عبداللهی، ۱۳۹۳: ۱۰).

آراء و نظرات دانشمندان در تفسیر مرگ جاهلی

تتبع در آراء تفسیری مفسرین نشان می‌دهد دو دیدگاه کلی برای تفسیر مرگ جاهلی بین مفسران وجود دارد:

دیدگاه اول: کسانی که مرگ جاهلی را مرگ کفر، شرک و بت پرستی می‌دانند. این گروه از دانشمندان، تعبیر مختلفی را برای مرگ جاهلی به کار برده‌اند. تعبیری مانند کفر، نفاق، ضلال، خروج از اسلام، خلود در دوزخ.

برخی از مفسرینی که مرگ جاهلیت را به مرگ کفر تفسیر نموده‌اند مانند: شیخ طوسی (۴۶۰ق) در «تلخیص الشافی» در تفسیر موت جاهلی می‌نویسد: «مرگ جاهلی غیر از مرگ بر کفر نیست» (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ش: ۱۳۲/۴).
ابن شهر آشوب (۵۸۸ق) پس از نقل حدیث معرفت امام، مانند شیخ طوسی می‌گوید: «مرگ جاهلی معنا و مفهومی جز مردن به حالت کفر نیست» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۱۸/۳).

علامه مجلسی (۱۱۱۰ق) در دو موضع پس از بیان حدیث، تأکید می‌کند که منظور از مرگ جاهلیت جز مرگ به حالت کفر نیست (علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق: ۳۲۱/۳۲ و ۳۳۱/۳۲).

برخی از مفسرینی که مرگ جاهلی را با تعبیر خروج از دایره اسلام تفسیر کرده‌اند می‌گویند: جهل به امام خروج فرد از اسلام می‌شود، مانند:

شیخ مفید (۴۱۳ق) در کتاب «الإفصاح» می‌گوید: «حدیث معرفت امام، تصریح دارد بر اینکه جهل به امام صاحبش را از اسلام خارج می‌کند» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۹).

امام یحیی بن الحسین (۲۹۸ق) در «کتاب الأحکام» در توضیح و تفسیر حدیث معرفت امام می‌گوید: «اگر در زمان این انسان، امامی باشد، قائم، پاک، باتقوا، عالم، ولی او امام را نشناسد و او را یاری نکند بلکه او را ترک نموده و خار و خفیفش نماید و در همین حال بمیرد، چنین انسانی از ملیت اسلام خارج، و به ملیت جاهلیت مرده است» (الإمام یحیی بن الحسین، بی تا: ۴۶۷/۲).

برخی از مفسرینی که مرگ جاهلی را به مرگ کسی که سرنوشتش دخول در آتش و خسران مبین باشد تفسیر کرده‌اند مانند:

ابن میثم بحرانی(۶۷۹ق) می نویسد: «حدیث مشهور معرفت امام، دلالت دارد بر این که انکار ائمه(ع) مستلزم مردن به حال جاهلیت است که آن خود مستلزم دخول در دوزخ می باشد»(ابن میثم بحرانی، ۱۴۱۷ق: ۳/۲۳۶).

احمدی میانجی(معاصر) در کتاب «مواقف الشیعه» ضمن بیان مناظره علوی و عباسی، از زبان علوی نقل می کند که بر اساس حدیث معرفت امام، هر کس امام زمانش را نشناسد و بمیرد او مرده است به مرگ جاهلیت، و او با مردم عصر جاهلیت در آتش جهنم خواهد بود(احمدی میانجی، ۱۴۱۶: ۳/۱۳۴).

این مفسرین گرچه اختلاف تعبیر دارند، ولی یک وجه مشترک دارند؛ و آن، تکفیر غیر عارفین به امام است. آنان برای اثبات ادعای خود به حدیث معرفت و احادیث مشابه استناد می کنند.

دیدگاه دوم: کسانی که مرگ جاهلیت را مرگی توأم با جهل و نادانی دانسته اند.

مفسرینی که مرگ جاهلیت را به مرگ عاصین و گنهکاران تفسیر نموده اند گفته اند: تشبیه مرگ کسی که امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ اهل جاهلیت از جهت گمراهی و نداشتن امام مطاع می باشد. مانند:

ابن حجر(۸۵۲ق) در «فتح الباری» می گوید: «مراد از میتة جاهلیه حالتی از مرگ، مانند مرگ اهل جاهلی که گمراه بودند و امام مطاعی نداشتند. چون آن ها نسبت به این موضوع آگاهی نداشتند و مقصود حدیث این نیست که غیر عارف به امام، به حالت کفر بمیرد بلکه چنین کسی می میرد در حالی که گنهکار است». وی در ادامه می گوید: «البته احتمال دارد که تشبیه مرگ غیر عارف به امام، به مرگ جاهلیت یک تشبیه ظاهری باشد که معنایش این می شود که او می میرد مثل مردن جاهلیت، گرچه اهل جاهلیت نبوده است»(ابن حجر، بی تا: ۵/۱۳).

العینی(۸۵۵ق) می نویسد: «مراد از مردن به مرگ جاهلیت، یعنی مثل مرگ اهل جاهلیت، از این جهت که مردم زمان جاهلیت نه امامی را می شناختند و نه از امامی اطاعت می کردند و مقصود این نیست که کافر می میرد بلکه او می میرد در حالی که عاصی و گنهکار است»(العینی، بی تا: ۱۷۸/۲۴).

نقد و بررسی دیدگاه کفر انگاری

بی تردید، حدیث معرفت و روایات مشابه، اهمیت و ضرورت امامت و ولایت را بیان می‌کنند؛ لکن در دلالت آن‌ها بر تکفیر غیر عارف به امام، جای بسی تأمل است؛ زیرا: اولاً، اگر بتوان با استناد به حدیث معرفت، حکم به تکفیر غیر عارفین به امام کرد، پس باید بتوان با استناد به روایات دیگر نیز چنین حکمی را درباره مسلمانان دیگر صادر نمود. مانند روایتی که می‌گوید: «کسی که بدون وصیت بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است. مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۶۶۷) و مانند روایتی که می‌گوید: کسی که حجة الاسلام را بجا نیاورد یهودی یا نصرانی می‌میرد. مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَحْجِ حِجَةَ الْإِسْلَامِ فَلَيْمَتَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًا» (عده‌ای از علماء، ۱۳۶۳ش: ۸۹) و مانند روایتی که می‌گوید: «کسی که از روی عمد نمازش را ترک نماید کافر مرده است. مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق: ۲/۲۲۴). ثانیاً، کفر گاهی در مقابل اسلام به کار می‌رود و گاهی در مقابل ایمان. کفر در مقابل اسلام غیر از کفر در مقابل ایمان است و کفر در این گونه روایات را می‌توانیم کفر در مقابل ایمان بدانیم، نه کفر در مقابل اسلام، چون نسبت میان اسلام و ایمان، عام و خاص مطلق است. بدین معنی که هر مؤمنی مسلمان است، ولی هر مسلمانی، الزاماً مؤمن نیست. برخی از دانشمندان به این نکته اشاره کرده‌اند، مانند: صاحب «جواهر» (۱۲۶۶ق) می‌گوید: «اخبار وارد شده درباره کفر منکران امامت علی (ع) حمل بر کفر در برابر ایمان می‌شود» (نجفی، ۱۳۶۵ش: ۶۰/۶). شیخ انصاری رحمه الله (۱۲۸۱ق) هم می‌گوید: «آنچه از مجموع اخبار و کلمات در این باب استفاده می‌شود، کفر در برابر ایمان است نه کفر در برابر اسلام» (شیخ انصاری، بی تا: ۲/۳۵۲).

مرحوم حکیم (۱۳۹۰ق) در «مستمسک» (حکیم، ۱۴۰۴: ۱/۳۹۴) و مرحوم امام خمینی (۱۴۱۰ق) دیدگاهی همانند دیدگاه شیخ انصاری دارند (امام خمینی، بی تا: ۳/۴۳۷).

ثالثاً، روایات متعدد و معتبری وجود دارد که بر اسلام حقیقی مخالفان، به شرط عدم جحد و عناد دلالت می‌کند. از جمله:

۱. در «اصول کافی» روایت مشروحوی در این زمینه وارد شده است که خلاصه آن چنین است:

سه نفر از اصحاب/امام صادق به نام‌های هاشم صاحب البرید، ابو خطاب و محمد بن مسلم، درباره مخالفان امامت، اختلاف نظر داشتند. هاشم معتقد بود که منکران امامت، کافرند، ولی ابو خطاب، در کفر مخالفان، وجود حجت را شرط می‌دانست و محمد بن مسلم، افزون بر آن، تحقق انکار و جحد را نیز معتبر می‌شمرد. نزاع این سه نفر، در ایام حج، نزد امام صادق(ع) کشیده شد و امام ضمن گوشزد کردن اعتقاد مخالفان به توحید و نبوت و انجام اعمال عبادی، با اظهار تعجب مکرر و گفتن سبحان الله، آنان را از تکفیر جاهلان به مسأله امامت، بر حذر داشت(کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۴۰۱).

۲. در «بحار الأنوار» گفت‌وگوی مشروحوی از حضرت امیر(ع) با/شعث بن قیس آمده است که امام در پاسخ/شعث می‌فرماید: «کسی که تمسک نماید به توحید و نبوت محمد(ص) و اسلام ولی شک کند در خلافت و اهل خلافت را نشناسد و به ولایت ما قائل نباشد چنین شخصی مسلمان مستضعف است و امید رحمت الهی برای او می‌رود» (علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق: ۲۹/ ۴۷۱).

رابعاً، با توجه به عدم آگاهی اکثر مسلمانان نسبت به این موضوع، نمی‌توانیم مسأله امامت را از امور ضروری و از اصول دین بدانیم و از این طریق جمع‌گیری از مسلمانان را تکفیر نمائیم بلکه می‌توانیم بین اصول دین و اصول مذهب تفاوت قائل شویم. همانگونه که برخی از اندیشمندان، عدل و امامت را از اصول مذهب شیعه دانسته‌اند و معتقدند منکر امامت از اسلام خارج نیست. از قبیل:

۱. محمد حسین کاشف الغطاء(۱۳۷۳ق) فرموده است: «کسی که به امامت، به همان معنایی که نزد شیعه مطرح است، باور داشته باشد، از نظر آنان، مؤمن به معنای اخص کلمه(شیعه) است؛ نه اینکه منکر اصل امامت، به کلی از اسلام، خارج باشد»(کاشف الغطاء، ۱۴۱۳ق: ۱۲۶).

۲. امام خمینی(۱۴۱۰ق) می‌گوید: «ماهیت اسلام، چیزی جز گواهی دادن به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر و اعتقاد به معاد نیست و غیر از این امور، هیچ چیزی

دیگر، از جمله، اعتقاد به ولایت ائمه، در ماهیت اسلام دخالت ندارد(امام خمینی، ۱۴۲۷: ۳/ ۴۲۸).

۳. آیه الله خوئی(۱۴۱۳ق) می گوید: «اگر کسی به اصول دین اعتقاد داشته باشد، ولی اصول مذهب را نپذیرد، از اسلام خارج نیست، بلکه تنها از مذهب شیعه خارج خواهد بود»(آیت الله خوئی، ۱۴۱۸: ۳/ ۴۱۵).

نتیجه بحث

۱. حدیث معرفت از احادیث متواتر و مورد قبول فریقین می باشد که در منابع و مصادر حدیثی هر دو گروه با عبارت ها و نقل های مختلف آمده است.
 ۲. همه مفسرین در اینکه مقصود و مراد از زمان جاهلیت، زمان جاهلیت قبل از اسلام است متفق القول بوده و اختلافی در این مسأله ندارند.
 ۳. دانشمندان در پاسخ به این پرسش که: مقصود و مراد از مرگ جاهلیت چیست اختلاف نظر دارند، گروهی قائل به کفر انگاری مرگ جاهلی شده و گروه دیگر قائل به عصیان انگاری مرگ جاهلیت شده اند و تکفیر این گروه از مسلمانان را صحیح ندانسته اند.
 ۴. نگارنده بر این عقیده است که:
الف. مرگ جاهلیت در حدیث معرفت، از باب تشبیه است و دلالت و تأکید دارد بر اهمیت شناخت امام.
ب. با توجه به عدم آگاهی و شناخت اکثریت مسلمانان نسبت به مقام و جایگاه امام، مسأله امامت، نزد جمع کثیری از مسلمانان ضروری نیست.
ج. احادیث فراوانی وجود دارد که دلالت بر اسلام این گونه افراد دارند.
هـ. با توجه به ضرورت وحدت بین مسلمین که در قرآن بر آن تأکید شده است:
﴿واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا﴾.
- نمی توان جاهلیت در حدیث معرفت را به مفهوم حقیقی آن یعنی کفر و شرک حمل نمود و کسانی را که غیر عارف به امام زمانشان هستند تکفیر نمود.

کتابنامه

- ابن ابی الحديد. ۱۳۸۳ش، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحديد، قم: مكتبة آية الله المرعشى.
- ابن أبی جمهور، محمد بن زين الدين. ۱۴۰۵ق، عوالى اللئالى العزیزية فى الأحادیث الدینیة، چاپ اول، قم: دار سيد الشهداء للنشر.
- ابن اثیر جزرى، مبارك بن محمد. ۱۳۶۷ش، النهاية فى غریب الحدیث والأثر، محقق / مصحح: محمود محمد طناحی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن حجر. بی تا، فتح الباری، الطبعة الثانية، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
- ابن حنبل، الإمام أحمد. بی تا، مسند أحمد، بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب. ۱۳۷۹ق، مناقب آل أبی طالب، چاپ اول، قم: علامه.
- ابن فارس، أحمد. ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، محقق / مصحح: عبد السلام محمد هارون، چاپ اول، بی جا: مكتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، محقق / مصحح: جمال الدين مير دامادى، چاپ سوم، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - دار صادر.
- ابن میثم البحرانی. تابستان ۱۳۶۲ش، شرح نهج البلاغة، تحقیق: عدهای از دانشمندان، چاپ اول، قم: مرکز نشر مكتب الاعلام الاسلامی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. ۱۴۰۸ق، روض الجنان وروح الجنان فى تفسیر القرآن، تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی - دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- أحمدی میانجی. رجب المرجب ۱۴۱۶ق، مواقف الشیعة، الطبعة الأولى، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
- امام خمینی. ۱۴۲۷ق / ۱۳۸۵ش، کتاب الطهارة (ط.ج)، تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، الطبعة الثانية، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی.
- الإمام یحیی بن الحسین. بی تا، الأحكام، تحقیق: أبو الحسن علی بن أحمد بن أبی حریصة، الطبعة الأولى، بی جا: بی نا.
- آیت الله الخوئی. ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م، صراط النجاة، تعليق الميرزا التبریزی، الطبعة الأولى، بی جا: بی نا.
- بستانی، فؤاد افرام. ۱۳۷۵ش، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی.
- حکیم، سيد محسن. ۱۴۰۴ق، مستمسک العروة، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمی المرعشى النجفی.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **مفردات ألفاظ القرآن**، محقق/ مصحح: صفوان عدنان داوودی، الطبعة الأولى، بیروت- دمشق: دار القلم- الدار الشامیة.
- سبحانی، جعفر. ۱۴۲۱ق، **أضواء على عقائد الشيعة الإمامية**، قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع).
- شريف الرضى، محمد بن حسين. ۱۴۱۴ق، **نهج البلاغة (للمصبحي صالح)**، چاپ اول، بی جا: هجرت.
- شيخ الأنصاري. بی تا. **كتاب الطهارة (ط.ق)**، بی جا: مؤسسة آل البيت (ع) للطباعة والنشر.
- شيخ طوسي. ۱۳۸۲ش، **تلخيص الشافي**، چاپ اول، قم: انتشارات المحبین.
- شيخ مفيد، محمد بن محمد. ۱۴۱۳ق، **الإفصاح في الإمامة**، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
- شيخ مفيد، محمد بن محمد. ۱۴۱۳ق، **المقنعة**، چاپ اول، قم: كنگره جهانی هزاره شيخ مفيد.
- صاحب بن عباد. ۱۴۱۴ق، **المحيط في اللغة**، محقق/ مصحح: محمد حسن آل ياسين، بيروت: عالم الكتاب.
- طريحي، فخر الدين بن محمد. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرين**، محقق/ مصحح: احمد حسيني اشكوري، چاپ سوم، تهران: مرتضوى.
- عدهای از علما. ۱۳۶۳ش، **الأصول الستة عشر**، چاپ اول، قم: دار الشبستری للمطبوعات.
- علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م، **بحار الأنوار**، تحقیق: يحيى العابدی الزنجانی، الطبعة الثانية، بيروت: مؤسسة الوفاء.
- العيني، بی تا، **عمدة القارئ**، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- فراهیدی، خليل بن أحمد. ۱۴۰۹ق، **كتاب العين**، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- كاشف الغطاء، محمد حسين. ۱۴۱۳ق، **أصل الشيعة وأصولها**، الطبعة الرابعة، بيروت: مؤسسة الأعلمی.
- كلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، **الكافي (ط - الإسلامية)**، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مولی صالح مازندرانی. ۱۳۸۸ق، **شرح أصول الكافي**، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- نجفی، محمد حسن. ۱۳۶۵ش، **جواهر الكلام**، تحقیق وتعلیق: الشيخ عباس القوچانی، الطبعة الثانية، طهران: دار الكتب الإسلامية.
- نیشابوری، مسلم. بی تا، **صحيح مسلم**، بيروت: دار الفكر.

مقالات

- رفیعی، علی و حسن عبداللهی. زمستان ۱۳۹۳ ش، «معناشناسی واژه جهل در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال پنجم، شماره ۲۰.

Bibliography

- Abul-FathRazi, Hussein ibn Ali, 1987. Roz Al-Jenan Va Rouh Al-Jenan Fi Tafsir Al-Quran, research: Dr. Mohammad Jafar Yahaqy- Dr. Mohammad Mehdi Naseh, Mashhad, Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi.
- AhmadiMiyajani, Rajab Morajab, 1995, Mavaqef Al- Shia, the Institute of Islamic publication-affiliated to the Society of Holy Qom Scholars., 1st.
- Al-Eini, no Date, Omdat Al-Qari, Dar Ehya Al-Torath Al-Arabia.
- Allamah Majlisi, Muhammad Baqir Ibn Mohammed Taqi (A.) 1983, Bihar al-Anwar, Research: Yahya al-Abedi Alznjany, Al-Vafa Institutte, Beirut, Lebanon, 2nd.
- Bostani, Fouad Afram, 1996, GematricalLexican, Translator: Mahyar, Reza, Islamic Publications, Tehran, 2nd.
- Farahidi, Khalil bin Ahmed, 1988, Ketab Al-Ein, Hijrat Press, Qom, 2nd.
- Hakim, Seyyed Mohsen, 1983, Mostamsek Al-Orvah, Publications of the School of Ayatollah Mar'ashiNajafi, Qom, Iran.
- Ibn Abi-Hadid, 2000, Description of Nahj- al- Balagheh Ibn Abi-Hadid, School of Ayatollah Marashi, Qom.
- Ibn Abi-Jomhoor, Mohammad Ibn Zeino Din, 1984. AD. Avali Al-La'ali Al-Azizato Fel Ahadis Al-Diniya, Seyed Al-Shohada Publishing Center, Qom, 1st.
- Ibn AsirJazri, Mobarak Ibn Mohammad, 1988, Al-Nahayato Fi Qarib Al-Hadithe Va Al-Asar, researcher/editor: Mahmood Mohammad, Esmaeelian Press, Qom, 4th.
- Ibn Faris, Ahmad ibn Faris, Ma'jam Maqais Al-Loqat, researcher/Editor: Aaron, Abdul Salam Mohammed, school of Islamic publications, 1st.
- Ibn Hajar, no Date, Fath Al-Bari, 2nd, Dar Al-Moarefa Letaba'ate Va Al-nashr, Beirut, Lebanon.
- Ibn Hanbal, Imam Ahmad, no Date, Musnad Ahmad, Dar Sader, Beirut, Lebanon.
- Ibn Manzur, Mohammed Ibn Mokaram, 1993, Lisan Al-Arab, researcher/editor: Mirdamadi, Jamal al-Din, Dar Al-Fekr Letaba'at Va Al-Nash Va Al- Tozie- Dar Sader, Beirut, 3rd.
- Ibn Meysam Bahrani, 1996, The Translation of Nahj-o-Ibalagheh Explanation by Ibn Meysam, translated by Mohammad Moghaddam and Navaee, Majmae Al-Bohuth Al-Islamiyah, Mashhad, 1st.
- Ibn ShahrAshoob, 2000, the Virtues of Al-Abi TalibAlalmeh, Qom, 1st.
- Imam Khomeini, 2006, Ketab Al-Tahara, the Institute of Imam Khomeini's, Research: Institute of Imam Khomeini Institution, 2nd.
- Imam Yahya Ibn Al-Hussein, no Date, Al-Ahkam, research: Abu al-Hasan Ali ibn Ahmad ibn Abi Hryseh, 1st.
- Kashe Al-Ghata', Mohammad Hussein, 1992, Asl Al-Shia Va Osouleha, Al-A'lamy, 4th.
- Khoei, 1997 AD. Serat Al-Nejah Ta'ligh Al-Mirza Al-Tabrizi, 1st.
- Koleini, Muhammad ibn Ya'qub, 1986, Al-Kafi (Al-slamiyeh), Dar Al-Kotob Eslamiyeh, 4th.
- Molla Saleh Mázandaráni, 2009, Sharh Osoul Al-Kafi Le Movali Saleh Al-Mazandarani, Dar Al-kotob Islamiyah, Tehran.
- Najafi, Mohammad Hassan, Sheikh Javaheri, 1986, Javaher Al-Kalam, research: Sheikh Abbas Al-ghoochani, no Date, Dar Al-Kotob Al-Islamiyah, Tehran, 2nd.
- Neishabori, Moslem, no Date, Sahih Moslem, Beirut, Lebanon.
- RaghibIsfahani, Hussein ibn Muhammad, 1991, Mofradat Alfaz Al_Quran, researcher/editor: Davoodi, Safwan Adnan, Dar-o-Alghalam, Dar-o-Shamiyeh, Beirut, Damascus, 1st.

- Sahib Ibn Ebbad, Ismail Ibn Ebbad, 1993, Mohit Fi Al-Loqat, researcher/editor: Al-Yasin, Mohammed Hasan, World of Book, Beirut, 1st.
- Sharif Al-Radi, Mohamed Ibn Hussein, 1993, Nahjolbalagheh (Lelsobhi Saleh), Hijrat, 1st.
- Sheikh al-Ansari, no Date, Al-tahareh, Institute of Al-Beit (AS,) Letaba'ate Va Al-Nashr
- Sheikh Mufid, Muhammad Ibn Muhammad, 1992 AH (A), Al-Moqanea, International Congress on Millennium Shaykh Mufid, Qom, 1st
- Sheikh Mufid, Muhammad ibn Muhammad, 1992 AH, Al-Efsah Fi Al-Imamah, Al-Motamar Al-Alami Le Sheikh Al-Mufid, Qom, 1st.
- Sheikh Toosi, 2003, Talkhis Al-Shafi, Al-mohebin Publications, Qom, 1st.
- Sobhani, Jafar, 2000, Azva' Ala Aghayed Al-Shiatol Imamiyah, Imam Sadiq Institute (AS), Qom.
- Some scholars, 1984, Al-Osoul Alsettatolshar, Dar Al-Shabestari Lel-Matbouat, Qom, 1st.
- Tarihi, Fakhr al-Din ibn Muhammad, 1993, Bahrain Assembly, researcher/editor: Hosseini Eshkevari, Ahmad, Mortazavi, Tehran, 3rd.

Articles

- Rafiei, Ali and Abdollahi Hassan. 1393, "Semantics of the Word of Ignorance in the Holy Quran", Qur'anic Studies Quarterly, Fifth Year, No. 20, Winter 93.

